

آمریکا و جمهوری اسلامی ایران: از جنگ سخت تا جنگ نرم

دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین^۱

رضا آسوده^۲

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) سلطه آمریکا بر ایران پایان یافت و دوره جدیدی در روابط این کشور با ایران آغاز شد. استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل از آن سال همواره به صورت کاملا خصمانه با ایران برخورد کرده اند. که مخرج مشترک تمام سیاستهای سلطه طلبانه، استحاله انقلاب اسلامی و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در سالهای اولیه پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تلاش کردند تا از طریق دامن زدن به مسائل قومی و اختلافات مذهبی، ایران را تجزیه کرده و به یک کشور کوچک و فاقد نفوذ منطقه ای تبدیل کنند. از بهار ۱۳۵۹ تا شهریور همان سال، تجاوز نظامی طیس و کودتای نوژه را در قالب حمله مستقیم نظامی طراحی کردند که این نیز به شکست انجامید. از شهریور ۱۳۵۹ با حمایت تسلیحاتی، اطلاعاتی و مالی از عراق، این کشور را به تحمیل یک جنگ تمام عیار نظامی علیه ایران تحریک کردند. سپس از اوایل دهه شصت تا کنون، با طراحی و سازماندهی استراتژی جنگ نرم و فروپاشی تصمیم به تغییر از درون گرفتند تا بدین ترتیب توان ملی ایران و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن را تضعیف کرده و ایران در صحنه بین المللی منزوی سازند. در این استراتژی، آنها با سازماندهی تهاجم فرهنگی، سیاسی، روانی و تبلیغاتی و تطهیر خود در افکار عمومی ملت ایران به ویژه در نسل جوان، حمله به مبانی اعتقادی و ارزشهای اسلامی و ملی را در دستور کار خود دارند و با القای ناکارآمدی نظام، کلیه دستاوردهای مثبت گذشته را به صورت اغراق آمیزی نفی می کنند.

واژه‌گان کلیدی: جنگ نرم، جنگ سخت، جنگ رسانه‌ای، استکبار جهانی، جنگ روانی.

۱- استاد روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

به نظر می‌رسد که با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، دیگر دوران جنگ‌های نظامی طاقت فرسا و فرسایش به پایان رسیده است، اما با نگاهی عمیق و حساس متوجه خواهیم شد که هنوز مصداق‌هایی از جنگ‌های نظامی را می‌توانیم برشماریم، نمونه‌هایی مثل حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱. حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ که نمودهای واقعی جنگ‌های مبتنی بر قدرت عریان و سخت محسوب می‌شوند. با این اوصاف ما نمی‌توانیم جهان پس از جنگ جهانی دوم را جهانی آرام و به دور از لشکر کشی‌ها و جنگ‌های مقابله به مثل یا تن به تن بدانیم. مسئله این است در دورانی که جنگ‌های نظامی و جنگ‌های مقابله به مثل در جهان در حال وقوع نبود، جهان توسط ابر قدرت‌هایاب‌عبارتی دقیق‌تر توسط غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا چگونه اداره می‌شد؟ به سخنی دیگر غرب و ایالات متحده آمریکا چگونه به آمال و خواسته‌های خود دست پیدا کردند؟ غرب و ایالات متحده آمریکا از چه روش‌ها و حربه‌هایی برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کردند؟ در اینجا بحث بر روی ایران بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ می‌باشد چرا که ایران قبل از سال ۱۳۵۷ مشکلات چندانی را برای ابر قدرت‌ها برای دستیابی به مقاصدشان ایجاد نمی‌کرد. اگرچه از واژه‌ی جنگ نرم از واژه‌های کلیشه‌ای به حساب می‌آید اما واژه در ایران بعد از سال ۱۳۵۷ اولویت ویژه‌ای برای غرب و کشورهایی که قصد نفوذ را در ایران داشتند پیدا کرد. اگرچه کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا به هردو شیوه‌ی جنگ سخت (جنگ نظامی) و جنگ نرم برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کنند اما در قبال جمهوری اسلامی ایران با توجه به پایین بودن هزینه‌های جنگ نرم به نسبت جنگ سخت و یا به دلیل عواملی چون جمعیت جوان زیاد و حالت شکنندگی افکار جوانان و همچنین رواج فرهنگ جهانی و غربی در ایران بیشتر از این نوع جنگ استفاده می‌کنند. اگرچه کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا در قبال ایران سالیان متمادی از شیوه‌ی جنگ نرم در قبل و بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ استفاده می‌کردند اما این مسئله

(جنگ نرم) برای ایران بعد از سال ۱۳۵۷ حساسیت ویژه ای پیدا کرده است. دلایلی همچون شیعه بودن اکثریت مردم ایران، جمعیت جوان زیاد، مقید بودن به اصول و فرعیات دین اسلام و نقشه فرهنگ دینی در جامعه ایران موجب چنین حساسیتی شده است. بنابراین جریاناتی که به شکل های مختلف مانند نابسامانی اقتصادی، ایجاد نارضایتی در جامعه، تاسیس سازمان های غیردولتی، جنگ رسانه ای و عملیات روانی برای ضعیف جلوه دادن و ایجاد ناتوی فرهنگی، علیه جمهوری اسلامی ایران به راه افتاده است، را می توان نمونه ی بارزی از جنگ سرد قلمداد کرد. بنابراین سوالی که در این پژوهش مطرح است این است که جنگ نرم به چه صورت در روابط آمریکا با جمهوری اسلامی ایران ناثیر گذار بوده است؟ نویسنده در ادامه تلاش می کند تا پاسخی مناسب برای این سوال بیابد.

تعریف مفاهیم

قبل از پرداختن به بحث پرداختن به مفاهیم از ضروریات محسوب می شود. با توجه به این، سه مفهوم قدرت سخت، قدرت نرم و جنگ نرم موضوعیت می یابد. قدرت سخت در اصطلاح روابط بین الملل به منابعی گفته می شود که دولت ها به صورت مستقیم و از طریق ابزار های نظامی و حربه های اقتصادی ناشی از آن جهت دست یابی به منافع ملی اقدام می کنند که رگه هایی از قدرت نرم را هم می توان در آن مشاهده نمود (Wilson 2008:110-111)) در این راستا، مفهوم قدرت نرم برای اولین بار توسط جوزف نای در اوایل دهه ی ۱۹۹۰ وارد ادبیات روابط بین الملل شد. به تعبیر "نای" قدرت نرم روشی است برای ترغیب دیگران به چیزی که ما می خواهیم. در این صورت قدرن نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تاکید دارد و این نوع از اعمال قدرت در مسئله رهبری اهمیت می یابد زیرا رهبری تنها دستور دادن نیست بلکه به واسطه ی الگو بودن و جذب دیگران برای انجام آنچه که ما می خواهیم (نای، ۱۳۸۷: ۴۳). قدرت نرم در این معنا به معنای نفوذ نمی باشد، زیرا نفوذ به معنای قدرت سخت (تهدید) و یا ارباب نیز می باشد ولی قدرت نرم

شامل توانایی جذب کردن می باشد که باعث مشارکت توام با رضایت می شود. با روشن شدن این مفاهیم مفهوم جنگ نرم و سخت نمود عینی می یابد.

جنگ سخت نیز در اینجا به معنای کاربرد قدرت سخت از سوی دولت هاست که با استراتژی تهدید، اجبار، فشار و به کار گیری ادوات و ابزار نظامی، دولت های ضعیف را سرکوب، منهدم و یا به تسلیم وا می دارد که امروزه از آن تحت عنوان «براندازی سختی» نیز یاد می گردد. مفهوم جنگ نرم (soft war) که در مقابل جنگ سخت (hard war) مورد استفاده واقع می شود دارای تعریفی واحد که مورد پذیرش همگان باشد، نیست و تا حدی تلقی و برداشت افراد، جریان ها و دولت های گوناگون از جنگ نرم متفاوت است. جنگ نرم در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه ای است که جامعه ی هدف را نشانه می گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می دارد. (انصاری، ۱۳۸۶). در واقع، جنگ نرم در پی ازپای در آوردن اندیشه و تفکر جامعه ی هدف است تا حلقه های فکری و فرهنگی آن راست کرده و بامباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی، اجتماعی حاکم تزلزل و بی ثباتی تزریق کند. (ماه پشانیان، ۱۳۸۶: ۷۴-۵۶).

ویژگی های جنگ نرم

در گونه شناسی جنگ ها هر جنگی (از کلاسیک گرفته تا مدرن) با توجه به شرایط، شکل و نوع نظام بین الملل و همچنین تحولات و پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی و بویژه تکنولوژیک واقع شده در آن دارای مشخصات و خصوصیات خاصی است که آن را از سایر جنگ ها جدا می سازد. جنگ نرم نیز یکی از همین گونه های جنگ ها تلقی می شود. این جنگ که به صورت سازمان یافته، ابتدا توسط کمیته خطر در زمان جنگ سرد در دهه ی ۱۹۷۰ و با همفکری مدیران سابقه دار و اساتید برجسته علوم سیاسی سازمان سیا و پنتاگون طراحی و تاسیس شد (روابط عمومی تبلیغات اسلامی استان تهران: ۱۳۸۸)، به

دلیل پیچیدگی و اتکا به قدرت نرم از ویژگی‌های بسیار زیاد و متنوعی برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی است.

این ویژگی جنگ نرم بدان معناست که در این جنگ، اعتقادات، باورها و ارزش‌های اساسی یک جامعه مورد هجوم برای تغییر قرار می‌گیرد. با تغییر باورهای اساسی جامعه، قالب‌های تفکر و اندیشه دگرگون شده و مدل‌های رفتاری جدیدی شکل می‌گیرد. مدل‌های رفتاری جدید به گونه‌ای است که به جای رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی، رفتارهای چالشی جایگزین شده و این رفتارها به سمت ساختارشکنی جهت می‌یابد (خاشعی، ۱۳۸۸).

۲. جنگ نرم آرام، تدریجی و زیرسطحی است.

جنگ نرم دفعی، شتابان و پرتحرک در یک مقطع نیست. این جنگ به صورت آرام شروع شده و به صورت تدریجی به سمت جلو حرکت می‌کند. آرام و تدریجی بودن این جنگ به گونه‌ای است که بسیاری آن را تشخیص نمی‌دهند. جنگ نرم زیرسطحی، غیر آشکار و به همین دلیل نامحسوس است (همان).

۳. جنگ نرم نمادساز است.

نمادسازی با بهره‌گیری از نمادهای تاریخی و گذشته برای ارائه و نمایش تصویری مطلوب از خود یک ویژگی برجسته از جنگ نرم است. در این جنگ تلاش می‌شود تصویری شکست خورده، ناامید و مأیوس از حریف ارائه شود و در مقابل مهاجم با نمادسازی و تصویرسازی خود را پیروز و موفق نشان می‌دهد. در این ویژگی عملیات روانی در حد اعلی انجام می‌شود (ابراهیمی و مشیرزاده، ۱۳۸۹).

۴. جنگ نرم پایدار و بادوام است.

این ویژگی جنگ نرم اشاره دارد به اینکه نتایج جنگ نرم در صورت موفق بودن، پایدار و بادوام خواهد بود. در واقع، هدف اصلی در جنگ نرم تغییر باورها و اعتقادات

است. چنانچه این تغییر حاصل شود، به راحتی تغییر مجدد و بازگشت به حالت اولیه میسر نیست. در جنگ گرم و نظامی، یک سرزمین تصرف شده را ظرف چند ساعت، می‌توان باز پس گرفت. اما در جنگ نرم، اگر دشمنان موفق به تصرف افکار و دل‌های جامعه هدف شوند، به راحتی نمی‌توان آن را باز پس گرفت و تغییر مجدد زمان‌بر است (همان).

۵. جنگ نرم پرتحرک و جاذبه‌دار است.

جنگ نرم که به صورت تدریجی و آرام شروع می‌شود، در نقطه‌ای به دلیل ایجاد جاذبه‌های کاذب، خود جامعه هدف را برای تحقق اهداف به کار گرفته و از این طریق بر دامنه تحرکات آن افزوده می‌شود. در واقع با گذشت زمان، بسیاری از بازیگران و حتی بازیگردانان جنگ نرم به صورت خواسته یا ناخواسته از درون جامعه هدف به استخدام کارگزاران اصلی جنگ نرم در می‌آیند (خاشعی، پیشین).

۶. جنگ نرم هیجان‌ساز است.

با نمادسازی‌ها، اسطوره‌سازی‌ها و خلق ارزش‌های جدید، در جنگ نرم از احساسات جامعه هدف نهایت استفاده صورت می‌گیرد. مدیریت احساسات یک رکن در مهندسی جنگ نرم به حساب می‌آید. در مدیریت احساسات، تلاش می‌شود از احساسات و عواطف جامعه هدف به عنوان پلی برای نفوذ در افکار و اندیشه‌ها برای ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها استفاده شود. احساسات و عواطف به دلیل تحریک‌پذیری، زمینه‌های پیدایش بحران را فراهم می‌سازد (نای، پیشین).

۷. جنگ نرم آسیب‌محور است.

آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میدان مانور جنگ نرم است. دشمنان در جنگ نرم با شناسایی نقاط آسیب جامعه هدف در حوزه‌های ذکر شده، فعالیت‌های خود را سامان داده و با ایجاد آسیب‌های جدید، بر دامنه تحرکات خود می‌افزایند (خاشعی، پیشین).

۸. جنگ نرم چند وجهی است.

پردامنه بودن و برخورداری از وجوه مختلف، از دیگر ویژگی‌های جنگ نرم است. در این جنگ، از تمامی علوم، فنون، شیوه‌ها و روش‌های شناخته شده و ارزش‌های موجود استفاده می‌شود (Nye, 2010, 10).

۹. جنگ نرم تضاد آفرین است.

جنگ نرم از محیط‌های آسیب‌دار در جامعه هدف شروع می‌شود و با ایجاد گسل‌های متعدد در بخش‌های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها، ارزش‌ها و شکل‌دهی به رفتارهای جدید، اعضای یک جامعه در برابر هم قرار می‌دهد. تضادهای به وجود آمده از طریق جنگ نرم، همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را برهم می‌زند و زمینه‌های بروز بحران و درگیری‌های داخلی را فراهم می‌سازد. بنابراین تخریب وحدت ملی یکی از پیامدها و ویژگی‌های جنگ نرم است (خاشعی، پیشین).

۱۰. جنگ نرم تردید آفرین است.

در جنگ نرم، ایجاد تردید و بدبینی نسبت به بسیاری از مسائل یک اصل و قاعده است. حرکت در این جنگ با خلق تردید و ایجاد ناامیدی و یأس شروع می‌شود. برای توفیق در این جنگ، با تکیه بر سنت‌ها و لکن با نوپردازی به صورت ظریف و آرام، در باورها و اعتقادات اساسی تردید ایجاد می‌شود و به مرور بر دامنه این تردیدها افزوده شده تا در نهایت به ایجاد تغییرات اساسی در باورها و ارزش‌ها دست یابد (همان).

۱۱. جنگ نرم از ابزار روز استفاده می‌کند.

در جنگ نرم از پیشرفته‌ترین تکنیک‌های روز استفاده می‌شود. فضای مجازی و سایبری محیط اصلی جنگ نرم در شرایط کنونی به حساب می‌آید. این فضا، امکان اغواگری با ایجاد جاذبه‌های گوناگون و خلق بسترهای لازم برای سوار شدن به امواج احساسات را به خوبی فراهم می‌سازد.

عرصه‌های تهدید نرم

مطالعه‌ی مقالات و نوشته‌های مربوط به بحث جنگ نرم نشان می‌دهد اکثر کسانی که در این حوزه تحقیقاتی داشته‌اند در شناخت و معرفی عرصه‌های جنگ نرم دچار نوعی سردرگمی شده و به دلیل نبود منابع کافی، بیشتر محوریت جنگ نرم را در حوزه‌ی مسائل سیاسی مورد بررسی قرار داده‌اند به همین منظور سعی می‌شود در این بخش به عرصه‌های مختلف و میدان‌های متنوعی که جنگ در آن بی‌وقفه در جریان است اشارات کوتاهی شود. براین اساس، جنگ نرم در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ارتباطاتی و علمی تفکیک و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جنگ نرم در حوزه‌ی سیاست

جنگ نرم در حوزه‌ی سیاست از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین عرصه‌ها محسوب می‌شود و خوش‌بختانه حجم زیادی از تحقیقات انجام شده در حوزه‌ی جنگ نرم ناظر بر مسائل سیاسی است که دلیل اصلی آن محسوس بودن و قابل دسترس بودن آن است. محتوای این بخش نیز در واقع برای این پرسش است که اساساً جنگ نرم در حوزه‌ی سیاسی چه اهدافی را دنبال می‌کند.

عرصه‌ی تهدیدات سیاسی به صورت مستقیم متوجه نوع حکومت و نظام سیاسی است و ایجاد تغییرات کلی در شاکله حکومت‌ها هدف اصلی در جنگ نرم محسوب می‌شود. به عبارتی هدف دشمن در این تقسیم‌بندی، تعویض نظام سیاسی یک کشور یا استحاله‌ی تدریجی ساختار موجود است.

برای نیل به این هدف، در هر نقطه از جهان نیازمند تعریف ساز و کار ویژه‌ای می‌باشد. به نظر می‌رسد دشوارترین شکل ممکن زمانی است که ساختار سیاسی یک کشور مبتنی بر تعالیم دینی باشد. در این وضعیت بین مردم و دولت رابطه‌ای عمیق و درونی وجود دارد و مخالفت با دولت و هر اقدامی که در چارچوب براندازی تقسیم‌بندی شود با مقاومت و

مقابله‌ی مستقیم مردم مواجه خواهد شد. در این موارد روش‌ها و تاکتیک‌ها از پیچیدگی خاصی برخوردار است و شناخت آن برای افشار گوناگون جامعه و حتی بسیاری از نخبگان هم امری دشوار محسوب می‌شود.

برنامه‌های زمان‌بندی شده و مرحله‌بندی شده از بدیهیات این جنگ به شمار می‌رود و در برخی از کشورها شاید سال‌ها به طول بینجامد ولی از آن جایی که طراحان این جنگ چاره‌ای جز این ندارند صبر پیشه کرده و قدم به قدم مبارزه را ادامه می‌دهند. ژوزف نای مقبولیت سیاست خارجی را از منابع قدرت نرم بر می‌شمارد (نای، ۱۳۸۷).

جنگ نرم در حوزه‌ی اقتصاد

جنگ نرم در حوزه‌ی اقتصاد از دیگر موضوعاتی است که تاکنون کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است و این در حالی است که آسیب‌های ناشی از جنگ نرم دشمن در حوزه‌ی اقتصاد در بلندمدت ساختار اقتصادی یک کشور را بیمار و ناکارآمد می‌کند به گونه‌ای که جبران خسارت‌های وارده از آسیب‌های فکری به مراتب دشوارتر خواهد بود. ابعاد جنگ نرم در حوزه‌ی اقتصاد را در سه زمینه می‌توان دسته‌بندی کرد: ۱. ارائه‌ی الگوی مصرف مطابق با سیاست‌های مورد نظر دنیای سرمایه‌داری؛ ۲. ایجاد حس بدبینی نسبت به فعالیت‌های دولت در حوزه‌ی اقتصاد؛ ۳. ایجاد حس بدبینی و حقارت نسبت به تولیدات داخلی. از جمله مواردی که در جنگ نرم در حوزه‌ی اقتصاد در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم ارائه‌ی الگوی مصرف مطابق با سیاست‌های مورد نظر دنیای سرمایه‌داری است. به عبارت روشن‌تر حیات اقتصاد مبتنی بر سودمحوری و انباشت سرمایه، بر پایه ترویج هرچه بیشتر مصرف بنا نهاده شده است و این در حالی است که مصرف بی‌رویه و بدون توجه به نیازهای واقعی مغایر با اصول مبانی دینی و حتی دور از تعالیم سنتی و بومی است. حرمت و مذمت مصرف‌گرایی به اندازه‌ای است که در آیاتی از قرآن و احادیث متعدد این موضوع از مصادیق گناهان کبیره شمرده شده است.

از دیگر موارد جنگ نرم در حوزه اقتصاد، ایجاد حس بدبینی نسبت به فعالیت‌های دولت در حوزه اقتصاد و ترویج نافرمانی و همراهی نکردن مردم با سیاست‌های اقتصادی دولت است. ایجاد جو بدبینی و سوءظن باعث می‌شود دولت در رسیدن به اهداف خود با مشکلات عدیده روبه‌رو شود. در این بین برخی از تصمیم‌های نادرست و ناتوانی دولت در توجیه افکار عمومی باعث تشدید فضا سازی دشمن و مضاعف کردن تأثیرات عملیات روانی می‌گردد. آخرین موردی که در بحث جنگ نرم دشمن در حوزه اقتصاد ضروری به نظر می‌رسد ایجاد حس خود کوچک بینی و حقارت نسبت به تولیدات داخلی است. این پدیده باعث می‌گردد افراد موقع خرید کالا و مایحتاج روزمره تمایل خود را نسبت به خرید کالاهای داخلی از دست داده و بی‌اختیار در پی خرید اجناس خارجی باشند. شاید تصور پیامدهای این تفکر چندان دشوار نباشد ولی به طور خلاصه اشاره می‌کنیم که استیلای این تفکر باعث نابودی بنگاه‌ها و کارخانه‌ها داخلی می‌گردد چرا که نبود اقبال عمومی و کم شدن تقاضا باعث انباشته شدن کالاها در انبارها و توقف چرخه تولید می‌شود. رکود ناشی از توقف تولید موجب تعطیلی کارخانه و رشد نرخ بیکاری و هزاران پیامد دیگر می‌گردد پیوند این عوارض با آثار جنگ نرم در حوزه‌های دیگر می‌تواند تهدیدات بزرگی را در مقابل ساختار سیاسی کشورها ایجاد نماید.

جنگ نرم در حوزه فرهنگی

فرهنگ از جمله واژه‌هایی است که با وجود کاربرد بسیار فراوان اتفاق نظر چندانی در مورد آن وجود ندارد و پژوهشگران و نظریه پردازان تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه کرده اند ولی تقریباً همه‌ی معناهای مختلف فرهنگ از واژه‌ی لاتین cultivate ریشه می‌گیرند که به مفهوم پرورش، عمل آوری و رشد می‌باشد.

به نظر می‌رسد برای آشنایی بیشتر با نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل که در واقع زمینه‌ی پیدایش جنگ نرم در این حوزه می‌باشد لازم است به مقالاتی که توسط صاحب‌نظران این رشته تحریر شده است اشاره شود.

در این زمینه حسام‌الدین آشنا در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی ارائه‌ی مدلی برای دیپلماسی عمومی» که در فصل‌نامه‌ی دانشگاه امام صادق علیه السلام به چاپ رسیده است. زیرساخت‌های ارتباط میان دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی را به خوبی تبیین و تاثیر فرهنگ در تعاملات بین‌المللی را روشن کرده است. آقای دکتر آشنا در این مقاله عوامل اصلی شکل‌گیری رشته‌ی ارتباطات بین‌المللی در بستر سیاست خارجی و جریانات عملیات روانی آمریکا را بر می‌شمارد و در پایان نیز مدلی برای دیپلماسی عمومی و تماس فرهنگی پیشنهاد کند (آشنا، ۱۳۸۷). آشنا همچنین در مقاله‌ی دیگری با عنوان دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی به ابعاد گسترده‌تری از دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد. (آشنا، ۱۳۸۴).

تهدیدات فرهنگی وسیع‌ترین، مؤثرترین، پیچیده‌ترین و شاید بتوان گفت خطرناک‌ترین نوع تهدید محسوب می‌شود. در این تهدید، سیاست‌گزاران نظام سلطه ذهن مخاطبین را مورد هجوم و توجه قرار داده، و برای تسخیر اذهان و قلوب آنها در راستای منافع خود اقدامات گسترده و مختلفی را اجرا می‌کنند. تلاش نظام سلطه برای تأثیرگذاری بر افکار، ایمان، اندیشه و اعتقادات مخاطبین است. با نگاهی به گذشته‌ی نه‌چندان دور و تطبیق آن با شرایط جدید ما شاهد فرایند طولانی از رویکردهای مختلف و جدید در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هستیم.

امروزه هژمونی فرهنگی از اولویت‌های نظام سلطه محسوب می‌شود، به عبارت دیگر جنگ نرم و پارادایم فرهنگی، راه‌میانبر ورود به عرصه‌های سیاست خارجی و دخالت در امور داخلی کشورها محسوب می‌شود که برای رسیدن به این هدف از ابزارهای پیشرفته‌ی رسانه‌ای مانند ماهواره، اینترنت و تلویزیونهای تعاملی استفاده می‌کنند.

همانطور که می‌دانیم هر جامعه‌ای فرهنگ و تمدن و ارزش‌های مختص به خود را دارد که بیانگر هویت و تاریخ مردم آن جامعه و کشور است و بی‌شک نقاط قوت و ضعف نیز خواهد داشت.

مؤمنی از محققین حوزه‌ی مطالعات فرهنگی معتقد است رویکرد دولت‌های هژمونی‌گرا و سلطه‌گر در حال حاضر در راستای تغییر فرهنگ‌ها و به چالش کشیدن آنها به منظور القا و انتقال فرهنگ خود در جامعه مورد هدف می‌باشد، به عبارتی دیگر به دنبال غلبه فرهنگی با اهداف گوناگون از جمله سیاسی هستند.

فن‌آوری‌های رسانه‌ای، فضایی بسیار مناسب برای دشمنان یک ملت در راستای تأثیرگذاری منفی فرهنگی در افکار عمومی فراهم آورده است. آن چه امروزه حایز اهمیت می‌باشد رابطه‌ی بین فرهنگ ماست که همواره نسبت به یکدیگر رابطه‌ی تعاملی داشته‌اند، نه رابطه سلطه‌جویانه و هژمونی‌گرا.

بر این اساس اگر مقوله‌ی فرهنگ برای تامین اهداف سیاسی به کار گرفته شود بسیار مخرب‌تر از سلاح‌های نظامی خواهد بود. هم‌اکنون پارادایم فرهنگی غربی از طریق محور قرار دادن انسان به دور از معنویت از سوی نظریه پردازان غرب مورد تأکید قرار می‌گیرد و برای اشاعه‌ی آن از شیوه‌های جدید رسانه‌ای م‌ماهواره‌ای و اینترنتی به شکل حرفه‌ای بهره‌برداری می‌شود.

در حال حاضر استراتژی فرهنگی دولت‌های سلطه‌گر بیشتر به سوی فرهنگ دولت‌ها و ملت‌های مستقل نشانه‌رفته و از هرگونه اعمالی در این خصوص مانند، ساخت و تولید فیلم، کاریکاتوری کتاب، لباس‌های موهن و اشاعه‌ی شایعه و تشکیک در افکار عمومی در مورد مسائل فرهنگی و اعتقادی به بهانه‌ی دموکراسی، آزادی، صلح و... با هدف ایجاد بحران‌های اجتماعی در سایر کشورها استفاده می‌نمایند و سربازان فرهنگی دولت‌های متخاصم با پیمودن مرزهای جغرافیایی از طریق رسانه‌های دسته‌جمعی مانند ماهواره وارد محافل خصوصی مردم سایر کشورها می‌شوند تا از این طریق مخاطبان را با اهداف شوم و پنهان خود همراه و همگام کنند.

مجموعه‌ی تهدیداتی که در حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی مطرح است به گرایش‌های روزمره مردم در زندگی و علایق آنان به انواع مد و شیوه‌ی زندگی، تقلید از سبک زندگی دیگران

مربوط می‌باشد. از مهم‌ترین مؤلفه‌های این تهدید ترویج زندگی آمریکایی در بین دیگر ملل است که از آن با عنوان سبک زندگی آمریکایی^۱ یاد می‌شود. این تهدید با ایجاد ذهنیت و زمینه‌سازی برای پذیرشی فرهنگ مهاجم، باعث تضعیف و یا از بین رفتن آداب، سنن و رسوم ملی، منطقه‌ای و محلی می‌گردد.

بی‌تردید ترویج «زندگی به سبک آمریکایی» علامت و یا برحسب خاصی ندارد و اشاعه‌ی آن از طریق نمایش انواع فیلم‌ها و سریال‌ها و حتی انواع کتاب‌هایی است که در آموزش گاه‌های زبان انگلیسی تدریس می‌شود.

سری فیلم‌های سینمایی کیک آمریکایی^۲ که برای رده‌ی سنی نوجوانان و با مضامین سرگرمی‌های روزمره ساخته شده است از مصادیق تولیدات هالیوود است که به صورتی خزنده و نامحسوس، فریبنده‌ترین و هوس‌انگیزترین سبک زندگی اجتماعی در غرب را به نمایش می‌گذارد. در این تولیدات دختر و پسر در محیط‌های آموزشی و تحصیلی با بهره‌گیری از جدیدترین امکانات و تفریحات به ظاهر سالم مشغول به تحصیل هستند.

در ورای همه‌ی جلوه‌های بصری این سوی فیلم‌ها، نوعی از زندگی اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود که هیچ‌سختی با فرهنگ و آداب و رسوم مشرق زمین و به خصوص فرهنگ اسلامی ندارد. تأثیرات جنگ نرم در حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی بسیار وسیع، گسترده، متنوع و پیچیده است که در بخش مربوط به تاکتیک‌ها مکانیسم اجرایی آن بیان خواهد شد.

جنگ نرم در حوزه‌ی ارتباطات

فضای به وجود آمده از تهدیدات ارتباطی به پدیده عصر حاضر، یعنی عصر ارتباطات یا اطلاعات و همچنین عصر انفجار اطلاعات مربوط است. در محیط این تهدید، مخاطب با هزاران طول موج رادیویی، امواج دیجیتال، فیبرنوری، سیگنال‌های مختلف و متفاوت، فن

1- American life style

2- American Pie

آوری‌ها، جامعه‌ی شبکه‌ای، چند رسانه‌ها، تلفن‌های همراه و نسل اول و دوم تلفن‌های سلولی، اینترنت و امواج ماهواره‌ای دیجیتال، فرستنده‌های مینیاتوری، ماکروبوهای با توان بالا و ابزارهای نوین در عملیات روانی همچون اشعه‌های الکترو مغناطیس روانی الکترونی صوتی، لیزری، خواب رادیویی، امواج کوتاه الکتریکی تنش‌ساز و فن‌آوری‌های نوین در عملیات روانی مانند هواپیماهای بدون سرنشین مواجه است.

جنگ نرم در حوزه‌ی علم و اندیشه

جنگ نرم در حوزه‌ی علم و دانش به دلیل زمینه‌سازی بروز دیگر تهدیدات اهمیت بالایی برخوردار است. نظام سلطه با تولید نظریه‌های مادی‌گرایانه، انسان‌محور و الحادی در صدد انحراف افکار و اعتقادات مخاطب برآمده و زمینه‌پذیرش سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. عبارت ساده‌تر وقتی به منابع درسی در رشته‌های علوم انسانی توجه کنید متوجه می‌شوید که اکثر قریب به اتفاق این منابع، ترجمه‌ی کتبی است که نویسندگان آن‌ها به لحاظ مبنای فکری، کم‌ترین، سنخیتی با تعالیم اسلامی ندارند. تعریف انسان از منظر غالب متفکرین غربی با تعریفی که مکاتب الهی از انسان دارند تفاوتی ماهوی و جمع‌ناپذیر دارد. بنابراین در حوزه‌ی علوم انسانی که انسان و مطالعات انسانی محوریت تمامی علوم محسوب می‌شود دانشجویان دچار یک پارادوکس و دوگانگی اساسی میان آن‌چه از دروس خود آموخته‌اند و آن‌چه در تعالیم دینی آموزش داده می‌شود می‌گردند و به دلیل دشواری پیوند این دو دیدگاه است که امواجی از شبهات و اشکالات در فضای دانشگاه‌ها در تلاطم است که باعث فاصله گرفتن روزافزون تعدادی از دانشجویان با مبانی تئوریک نظام شده است. به عبارت ساده‌تر، در تفکر مادی‌گرایانه در خوشبینانه‌ترین وضعیت همه چیز حول محور دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم دور می‌زند ولی در حکومت اسلامی، حاکم خداوند است و بر اساس موازینی که در متون فقهی آمده است حاکم طی مکانیسمی از طرف خداوند معین می‌گردد.

در این نقطه است که برخی از دانشجویان به واسطه ی فراگیری و دل‌بستگی به آن چه در برخی از کتب درسی آموخته اند در پذیرش مبانی حکومت اسلامی با ابهامات اساسی مواجه می شوند، چرا که در مدار ذهنی بسیاری از آنان ایمان به غیب و خالق هستی جای خود را پیدا نکرده است. به عبارت دیگر پیش فرض قبول برخی از مسائل، پذیرش توحید و اعتقاد به یگانگی خالق هستی است.

بنابراین اگر بخواهیم برخی از مفاهیم، مورد پذیرش قلبی نسل جوان قرار گیرد باید یک گام به عقب برگردیم و مبانی اعتقادی تشیع را با سعه صدر و استفاده از اساتید متبحر آموزش دهیم، و در صورت فقدان کرسی های علمی برای پاسخ گویی به این شبهات در آینده ی نزدیک شاهد بیشتر شدن فاصله میان قشر تحصیل کرده با بدیهیات نظام اسلامی خواهیم بود.

جنگ نرم در حوزه ی مذهب

جنگ نرم در حوزه ی مذهب و تلاش برای ایجاد تردید در باورها و اعتقادات مردم، از موضوعاتی است که به دلیل علنی بودن و فعالیت های آشکاری که انجام می شود از مدت ها قبل مورد توجه قرار گرفته است و به همین منظور نیز تدابیری اتخاذ شده است ولی آنچه در سال های اخیر شاهد هستیم حاکی از هجومی عظیم و حساب شده است که از مجاری مختلف با استفاده از فن آوری های نوین ارتباطی و به خصوصی فضای مجازی در حال انجام است.

امروزه وهابیت به عنوان یک جریان سیاسی که دو هدف ایجاد تفرقه در بین جوامع اسلامی و مخدوش کردن اندیشه ی اسلام در جوامع اسلامی و غیر اسلامی را دنبال می کند، سرمایه گذاری سنگینی برای مبارزه با تعالیم اسلام اصیل انجام داده است که بخش عظیمی از آن از طریق رسانه ها و فضای مجازی انجام می شود. راه اندازی هزاران پایگاه اینترنتی، وبلاگ و شبکه های اجتماعی با هدف شبهه افکنی و ایجاد تردید در آموزه های شیعه تا به

امروز در تاریخ شیعه بی سابقه بوده است. این در حالی است که حجم فعالیت های انجام شده در فضای سایبر در مقایسه با آن چه دشمنان تدارک دیده اند بسیار ضعیف و ناچیز است.

ورود دیرنگامش به عرصه‌ی رسانه و نیز استفاده نکردن از، سرگرمی‌ها در القای محتوای دینی و عقیدتی به مخاطب را از عوامل ظهور جنگ نرم علیه تشیع در فضای مجازی است. جنگ نرم رسانه‌ای از طریق دو ابزار مهم همچون رسانه و سرگرمی در میان مخاطبان و اقشار جامعه اتفاق می‌افتد که متأسفانه‌ها نیز در استفاده از این بخش‌ها، کوتاهی کردیم.

وی افزود «اکنون برای مقابله با این هجمه‌ی گسترده علیه تشیع باید در ارتباط‌گیری مناسب و ارائه‌ی محتوای موثق، با این فضا تعامل بیشتری برقرار کنیم؟ زیرا بیشترین فعالیت‌ها در این رسانه‌ها مختص به گروه‌های اجتماعی است که اغلب توسط مجریان تهاجم فرهنگی با هدف تحلیل حوادث و رقیق کردن اعتقادات مخاطبان ادیان الهی مدیریت می‌شود.»

مژگانی پیشنهاد کرد «برای مقابله با جبهه‌ی مخالف باید بر اساس مبانی تهاجم به مساله‌ی مطروحه‌ی آن‌ها حمله و با ایجاد فضاهای مجازی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... در قالب وبلاگ‌نویسی، ویدیوکست، پادکست و... در ارتقای کیفیت فعالیت‌های تبلیغی تلاش کنیم، البته این مساله حضور فعال در این فضا را می‌طلبد.

جنگ نرم دشمن در ایجاد فضای مجازی خلاصه نمی‌شود بلکه با استفاده از متخصصین حوزه‌ی نرم افزار و گروه‌هایی نظیر گروه ایکس پی ۱ وابسته به وهابیون توانستند سرور آل البیت یعنی بزرگ‌ترین سرور جهان تشیع و حدود ۳۰۰ سایت شیعه و تعدادی از سایت‌های مراجع تقلید را هک کنند. البته در واکنش به این اقدام هکرهای شیعه نیز سایت دانشگاه عجمان امارات متحد عربی را هک کردند و پس از نفوذ در سرور این سایت،

تصویر گرافیکی کل یوم عاشورا را در سرلوحه اخبار صفحه ی نخست این سایت قرار دادند.

این حمله ی فکرها در ادامه ی موج جدید حملات و توهین ها به مقدسات شیعیان و پس از آن آغاز شد که قرضاوی در سخنانی، ضمن توهین به شیعیان، خواستار جلو گیری از گسترش تشیع شد.

اهداف جنگ نرم

اگر جنگ را همانند سایر اشکال قدرت دارای اهداف و دستاوردهایی در سطح ملی و بین المللی تلقی نماییم، در این راستا جنگ نرم به عنوان ابزار نوین دولت ها به ویژه دولت هایی که از سطح بالای فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی برخوردار می باشند نیز دارای اهداف و دستاور می باشند که اهم این اهداف عبارتند از:

۱) ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها

مهم ترین و اصلی ترین هدف جنگ نرم را باید ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه ی هدف جنگ نرم دانست. اعتقادات و باورها، اساس حرکت یک جامعه به شمار می آیند. بنابراین اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییری ایجاد کنند باید به سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنها بروند. بنابراین در جنگ نرم اساسی ترین هدف، ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات است (نای، پیشین).

۲) ایجاد تغییر در افکار و اندیشه ها

چنان چه دشمنان یک ملت، با جنگ نرم بتوانند در باورها و اعتقادات ملت رسوخ کرده و با ایجاد شک و تردید، آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل نمایند. زمینه ها و بسترهای لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر کردن و اندیشیدن در حوزه های گوناگون فراهم می شود. بنابراین هدف عمده دیگر در جنگ نرم، ایجاد تغییر در افکار جامعه است (مشیرزاده و ابراهیمی، پیشین).

۳) ایجاد تغییر در رفتار

رفتارهای یک جامعه، مبتنی بر اعتقادات، باورها و چگونگی فکر کردن و اندیشیدن افراد آن جامعه می باشد. با تغییرات اساسی در این مبانی، مدل های رفتاری در حوزه های گوناگون تغییر می کند. در واقع مدل های رفتاری در هر جامعه ای براساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه شکل می گیرد. بدیهی است که با تغییر هر نوع باور و اندیشه ای مدل های رفتاری جدید براساس باورها و افکار جدید جایگزین مدل های قبلی می گردد.

۴) ایجاد تغییر در ساختار سیاسی

هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن در ساختارهای جدید می باشد. اهداف ذکر شده در یک فرایند و به صورت خطی دنبال می گردد. با ایجاد تغییر در باورها، افکارها و رفتارهای یک جامعه، به صورت طبیعی مدل رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر پیدا کرده و مدل های چالشی جایگزین آن می شود. در یک جامعه، مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود به چالش بر می خیزند که دیگران انرا مشروع ندانند و از نظر آنان مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. بنابراین مشروعیت زدایی و مقبولیت زدایی برای ایجاد بحران، نا آرامی و بی ثبات سازی در جامعه ی هدف از ویژگی های اصلی جنگ نرم به حساب می آید. هرگاه یک نظام سیاسی مشروعیت و مقبولیت خود را در بین ملتش از دست بدهد به راحتی زمینه های لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید فراهم می گردد (مشیرزاده و ابراهیمی: پیشین).

ابزارهای جنگ نرم

تصور وقوع جنگ نرم و صورت انجام آن بدون شناخت ابزارهای مورد کاربرد در اجرای آن ممکن نیست، به عبارتی دیگر، جنگ نرم دارای ابزارها و الزامات کاربردی

است که امکان وقوع آن را ممکن و میسر می‌سازد. اساساً همین ابزارهاست که یکی وجوه بارز و نقطه‌ی تمایز آن با جنگ سخت با همان معنای متعارف از جنگ است. در تبیین جنگ نرم و واکاوی ابعاد و محتوای آن نیز یکی از نقاط واجد اهمیت شناخت ابزارهایی است که جنگ نرم را اهمیت می‌بخشد. اگر بخواهیم به مهمترین ابزار قابل کاربرد در جنگ نرم اشاره کنیم، بی‌تردید رسانه‌ها (Media) اعم از مجازی و واقعی (مطبوعات و مجلات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت) مهمترین و شاخص، ابزار قابل استفاده در جنگ نرم است. به عبارت دیگر در قالب رسانه‌هاست که جنگ نرم معنا پیدا کرده و قابلیت عینی پیدا می‌کند. به طوری که برای تأثیرگذاری و پیروزی در این جنگ بهره‌گیری از ابزارهای متنوع تر و پر حجم تر، مدرن تر و فناوریهای جدید رسانه‌ای و ارتباطی یکی از عوامل مؤثر و مهم در کسب موفقیت خواهد بود. براین اساس، می‌توان مهمترین ابزارهای رسانه‌ای در این عرصه را، مشتمل بر مطبوعات، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت به عنوان پرمخاطب‌ترین رسانه‌ها با امکان پخش گسترده و متنوع برنامه‌ها و محتوا دانست، که به آنها اشاره می‌گردد. در این میان مطبوعات واقعی اگرچه از قوی‌ترین و پر سابقه‌ترین رسانه‌هاست اما بواسطه محدودیت در قلمرو انتشار در این جا از پرداختن به آن صرف نظر می‌شود.

الف) رادیو؛ رادیو از جمله قدیمی‌ترین رسانه با قابلیت پخش از انتشار از ورای مرزها و با گسترده‌ی وسیع از مخاطبان است که در یک صد سال گذشته نقش مهمی در شکل دهی به افکار عمومی و تقابل رسانه‌ای میان کشورها، گروه‌ها و جمعیت‌ها داشته است. فعالیت رادیو آزادی در زمان جنگ سرد که علیه بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی فعالیت می‌کرد، یکی از گسترده‌ترین و مهمترین ابزارهای رسانه‌ای بود که در خدمت جنگ نرم اهداف تبلیغاتی ایالات متحده را پیش می‌برد، به طوری که برخی از صاحب نظران از تأثیر جدی آن بر فروپاشی شوروی نام برده‌اند (رفیع و قمی، ۱۳۸۹). یا چنانکه رادیو BBC (The British Broadcasting Company) و صدای آمریکا

(VOA) (Voice Of America) با دهها سال سابقه فعالیت رسانه ای در برخی مواقع به ویژه رادیو BBC به بیش از سی زبان زنده دنیا و از جمله زبان فارسی برنامه پخش می کنند (العینی، ۱۳۶۹: ۱۱۶).

ب) **تلویزیون:** امروزه برنامه های تلویزیونی به خاطر جذابیت های ویژه تصویری به یکی از پرمخاطب ترین رسانه های جدید تبدیل شده است امکان پخش برنامه های متنوع با قابلیت های جلب کننده این رسانه ها را به ابزار مهمی در جذب مخاطب و به تبع آن جهت دهی به افکار عمومی کرده است. تاجایی که «با ظهور شبکه Euronews در رقابت با شبکه های CNN در امریکا و Skynews در انگلستان و نیز آغاز به کار شبکه های عمومی متعدد در سایر نقاط جهان، اشتیاق بی پایان برای ارائه اخبار تلویزیونی، روز به روز مقیاس جهانی تری پیدا می کند، گسترش شبکه های تلویزیونی به کشورهای قدرتمند کمک کرد تا از آن در راستای اهداف خویش در عرصه ی بین المللی استفاده کنند (اسلامی: ۱۳۹۰).

ج) **ماهواره: (Satellites)** با گسترش روز افزون تکنولوژی و توسعه ارتباطات ماهواره ها به بخش عمده ای در تحکیم و توسعه زیر بناها و ساختارهای ارتباطات و اطلاعات تبدیل شده اند. از همین رو بی مبنا نیست که اگر گفته می شود که قرن بیست و یکم، قرن ماهواره هاست. چرا که امکانات و قابلیت های گسترده این فناوری آن را به عامل عمده ای برای تغییر و دگرگونی در زندگی اجتماعی تبدیل کرده است. اهمیت ماهواره ها در تغییر و تحولات اجتماعی به گونه است که کاربرد ماهواره ها در جنگ نرم به عاملی مهمی در سرعت بخشیدن به تحقق اهداف تبدیل شده، به طوری که یکی از بزرگترین منابع و ابزارهای جنگ نرم، توانایی در بهره گیری از، شبکه های ماهواره ای است که از طریق آن بتوان افکار عمومی و فرهنگ عمومی را دستخوش تغییر در نگرش ها، باورها و رفتارها کرد.

د) **اینترنت (internet)** اینترنت امروزه به یکی از گسترده ترین و پرابعاد ترین رسانه های ارتباطی تبدیل شده است. اینترنت به گونه ای توانسته ناست به حجم بسیاری از رسانه ها تبدیل شده است، هم امکان مطالعه و گفتگو را ایجاد می کند، رسانه ای نوشتاری است هم گفتاری و هم بواسطه ای آن تعلیم دید و اخبار و اطلاعات متنوعی را در آن یافت. از همین رو در مباحث جنگ نرم بهره گیری از فضای سایبری و مجازی عنصری مهم و مؤثر تلقی می گردد (اسلامی: همان).

همانطور که بیان شد ابزارهای جنگ نرم متنوع و متعددند و هر کدام قابلیت های منحصری را دارا هستند که امکان متناسب با ظرفیت خود را برای بهره گیری در جنگ نرم در اختیار عاملان آن قرار می دهند. اما در مباحث جنگ نرم دو رسانه نسبتاً جدیدتر و در عین حال گسترده و با قابلیت های بیشتر. یعنی اینترنت و ماهواره اهمیت بیشتری دارند. چرا که این رسانه ها با قدرت د و دیدن مرزها و عبور از بسیاری از موانع، و خیل گسترده و سطوح مختلف مخاطبان و امکان ارائه برنامه های جذاب و متنوع به علاوه قابلیت های دیگر، آنها را به مهمترین ابزار در خدمت، برای قائلان و عاملان جنگ نرم تبدیل کرده است.

شیوه های جنگ نرم استکبار جهانی

از مباحث دیگری که در جنگ نرم مطرح است میزان نفوذ و تاثیر گذاری آن در روابط بین دولت هاست. از این رو نظریه پردازان جنگ نرم شیوه هایی عامی را جهت تاثیر گذاری جنگ نرم مورد شناسایی قرار دادند که در جنگ نرم استکبار جهانی نیز قابل کاربرد است این شیوه ها عبارتند از:

الف) جنگ رسانه ای

همانطوریکه در بحث ابزارهای جنگ نرم عنوان اشاره گردید استکبار جهانی با راه اندازی روزنامه ها و شبکه های رادیویی، اینترنتی و تلویزیونی مختلف سعی می کند اعتقادات

دینی جوانان را تضعیف کند. رادیوهایی مانند BBC فارسی، رادیو فردا و..... امروزه بیش از ۲۵۰۰ شبکه ماهواره ای قابل دریافت در ایران وجود دارد که در بین آنها بیش از ۲۳۲ شبکه مبتدل، ۲۷۳ شبکه تبلیغ ادیان ساختگی، ۷۴ شبکه مدلباس و ۳۰۰ شبکه موسیقی به چشم می خورد. این شبکه‌ها که مستقیماً توسط سازمانهای اطلاعاتی غرب اداره می شوند با کمک کارشناسان مجرب با آخرین فنون رسانه ای به تضعیف ایمان مردم و اعتماد آنان به نظام مشغولند (رنجبران، ۱۳۸۸: ۴-۳۳).

در واقع جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه داشته و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها بهره‌گیری میکند. جنگ رسانه‌ای ظاهراً میان رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاریها، شبکه‌های خبری و سایت‌های اینترنتی جریان دارد. اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی چیزی به نام سیاست رسانه ای یک کشور (Media policy) نهفته است که مستقیماً توسط بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه میشود. (همان، ۱۲) در جنگ رسانه‌ای کشورها از طریق رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاریها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به منظور دفاع از منافع ملی خودشان عمل می کنند. (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۱). این قضیه در قبال جمهوری اسلامی ایران از غرب و ایالات متحده آمریکا عبارتند از: دروغ پردازی بنیاد ملی دموکراسی در ایران و دروغ پردازی در انتخابات. که در هر دو مورد با هدف بدجلوه دادن نظام سیاسی جمهوری اسلامی و شخص رئیس جمهور به دنبال انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌های بین المللی می باشند. به عنوان نمونه رسانه‌های تحت کنترل دولت آمریکا که می توان آنها را وزارت تبلیغات و پروپاگاندا ای آمریکا نامید به انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد واکنش نشان داده و با پخش بدون وقفه گزارش‌ها از اعتراضات داخلی ایران کوشید تا بروز تقلب

درانتخابات ایران را به جهانیان القاء کند. اما رسانه‌های امریکایی درحالی که می‌کوشند انتخابات ایران را بدون هیچ دلیل و مدرکی بی‌اعتبار معرفی کنند که تنها واکنش این رسانه‌ها به تقلبات مستندی که در جریان اولین دوره انتخابات جورج بوش به ریاست جمهوری امریکا وجود داشت، رد این مطلب بود. با توجه به آنچه در مورد رسانه‌ها گفته شد، مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ها بویژه در جنگ با نظام جمهوری اسلامی ارسال پیام به داخل نظام با هدف فاصله بین دولت و جامعه و در نتیجه براندازی است در این راستا، پیام‌های دشمن درجنگ نرم را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

(الف) **پیام‌های سفید:** پیام‌های سفید، پیام‌های راست ولی کم ارزش بوده که عمدتاً از سوی دشمن باهدف برقراری ارتباط و اعتماد زدایی در جامعه‌ی هدف ارسال می‌گردد. (ب) **پیام‌های خاکستری:** پیام‌های خاکستری، آمیخته‌هایی از پیام‌های راست و دروغ است. پیام‌های خاکستری فراوان و پرمایه بوده و با هدف کنش تعامل با جامعه‌ی هدف ارسال می‌شود. (ج) **پیام‌های سیاه:** دشمن درجنگ نرم پس از اعتمادزدایی با ارسال پیام‌های سفید و آماده‌سازی جامعه‌ی هدف برای القای مطالب دلخواه با پیام‌های خاکستری، درشرایط مقتضی نسبت به ارسال پیام‌های سیاه اقدام می‌کند. پیام‌های سیاه، دروغ‌های بسیار بزرگ، کلیدی و کم‌دامنه است. این نوع پیام‌ها باهدف بحران زدایی و ایجاد تنش و برهم زدن ثبات و امنیت کشور مورد نظر ارسال می‌شود. ادعای تقلب در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، نمونه برجسته و بارز از پیام‌های سیاه است که در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، دشمنان به آن پرداختند. (رنجبران، پیشین: ۴۲).

(ب) عملیات روانی (جنگ روانی)

از دیگر شیوه‌های جنگ نرم استکباری ایجاد عملیات روانی بر دولت مورد نظر و در اینجا جمهوری اسلامی ایران است. جنگ روانی برای تضعیف اراده ملت‌ها طراحی شده است و با استفاده از تکنیک‌های مختلف که امروزه در دانشگاه‌های معتبر دنیا تدریس می‌

شود سعی می‌کنند یک ملت را بدون درگیری فیزیکی، به زانو درآورند. بزرگ‌نمایی اختلاف بین گروه‌ها و احزاب مختلف داخلی، کمرنگ جلوه دادن دستاورد های دولت و نظام، تلقی یک دولت به عنوان عامل تهدید در نظام بین‌الملل و ... از جمله ی این موارد است که در بحث روانشناسی سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (کاتم، اولر و دیگران، ۱۳۸۶: ۷-۳۸۰).

ج) توسل به ترس

تهدید و ترساندن شیوه قدیمی و همیشگی سلطه‌گران برای تضعیف اراده و عزم ملت‌ها و چپاول منابع کشورها بوده است. لیست کردن این تکنیک‌ها امکان‌پذیر نیست اما می‌توانید کلکسیون کاربرد این تکنیک‌ها را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ دید. تکنیک‌هایی مانند: برجسته‌سازی، اهریمن‌سازی، فریب، ساخت جوک و کلمات تمسخر آمیز و برجسته‌زدن و ... (همان، ۱۱۴).

از جنگ سخت تا جنگ نرم

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ایران و به خطر افتادن منافع استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا، دشمنان به روش‌های مختلف سعی در مبارزه و براندازی نظام جمهوری اسلامی داشته‌اند. دشمن که در منطقه و جهان اسلام منافع خود را از دست رفته میدید برنامه مبارزاتی خود را در سطح وسیع پایه‌ریزی کرد و ابتدا از موضع جنگ سخت وارد شد و با بازکردن جبهه‌های متعدد داخلی و خارجی از قبیل مبارزه مسلحانه منافقین و چریک‌های فدایی حزب توده و ترور شخصیت‌های ممتاز انقلاب در حادثه هفتم تیر و انفجار دفتر ریاست جمهوری و طراحی کودتای نوژه و حمله نظامی مستقیم به طبرس و جنگ تحمیلی علیه ملت ایران توسط مزدور و دست‌نشانده ی خود، صدام سعی در نابودی پایه‌های مستحکم انقلاب کرد. اما این استراتژی به شکست منجر شد چراکه مردم انقلابی ایران

اسلامی با عنایت الهی و فداکاری بی حد و حصر خویش و با دستان خالی ضربات سختی را در عرصه های مختلف به دشمن وارد کردند.

دشمن باردیگر باترفندی جدید سعی در ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران نمود. او جنگی نفس گیر در حوضه اقتصادی را که در دوران جنگ تحمیلی آغاز کرده بود تشدید کرد، او به محاصره اقتصادی و تحریم های گسترده رنگ و بوی جدید داد و در کنار آن جنگ دیپلماتیک، جنگ رسانه ای و عملیات روانی را تقویت کرد. اما باز هم با مقاومت آگاهانه و انسجام درونی مردم انقلابی ایران روبرو شد و یکبار دیگر نقشه دشمن نقش بر آب شد.

اماد شمن به دنبال منافع خود دست از تلاش برنداشته این بار با سلاح فرهنگی اقدام به مبارزه کرد، او ابتدا با تهاجم گسترده فرهنگی سعی کرد ایمان و مقاومت مردم ایران را درهم شکند و با انتخاب روش نرم و جنگ روانی ترجیح آن بر جنگ سخت هموردی را آغاز کرد زیرا:

- تهدیدات نرم و پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان و اندازه گیری آن مشکل است در حالی که تهدیدات سخت عینی، واقعی و محسوس است و می توان آنرا با ارائه برخی از معیارها اندازه گیری کرد.
 - در تهدید نرم، از روش القا و اقناع سازی بهره گیری می شود در حالی که روش اعمال تهدیدات سخت استفاده از زور و اجبار است.
 - تهدیدات نرم به دلیل ماهیت غیر عینی و محسوس آن، عمدتاً فاقد عکس العمل است در حالی که تهدیدات سخت محسوس و همراه با عکس العمل و برانگیختن است.
 - مرجع امنیت در تهدیدات نرم محیط ملی و فرملی است در حالی که مرجع امنیت در حوزة تهدیدات سخت عمدتاً دولت ها هستند.
- الکساندر پرخانوف، از مشاهیر شوروی سابق، پیرامون تاثیر جنگ روانی و نقش رسانه در تغییر نگرش مردم و فروپاشی شوروی اذعان می دارد:

«غرب برای دستیابی به اهداف خود در شوروی، نیازمند تغییر عقاید و باورهای مردم شوروی بود. لازم نبود شوروی را با راکت و بمب اتمی به فروپاشی برسانند بلکه باتغییراتی که توسط رسانه های گروهی در عقید و باورهای مردم بوجود آوردند به این مهم نائل شدند» (ماهنامه پیام انقلاب، ۱۳۸۷: ۷۴).

در فرایند تغییرات استراتژی دشمنان جمهوری اسلامی ایران از جنگ سخت به جنگ نرم چنین تحلیلی وجود دارد: جمهوری اسلامی ایران به دلیل وسعت سرزمین، ازدیاد جمعیت، شیعه بودن، نقش فرهنگ دینی در جامعه ایران، برخورداری از امکانات نظامی، منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی ممتاز در خاورمیانه به قدرتی بی نظیر تبدیل شده است و به همین دلیل کارشناسان سیاسی کشورهای غربی معتقدند که دیگر نمی توان با حمله نظامی آن را نابود کرد بنابراین تنها راه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران، جنگ نرم و بکارگیری تکنیک های عملیات روانی است. در حال حاضر اجرای پروژه جنگ نرم علیه ایران ناشی از گسترش حس تنفر از آمریکا در جهان می باشد که به نظر سران کاخ سفید، مرکز اصلی ایجاد تنفر و گسترش آن کشور ایران است. به عبارت دیگر، غرب و ایالات متحده آمریکا با توجه به پایین بودن هزینه های جنگ نرم نسبت به جنگ سخت و یا به دلیل عواملی چون جمعیت جوان زیاد و حالت شکنندگی افکار جوانان در جامعه و رواج فرهنگ جهانی و غرب در ایران بیشتر از این نوع جنگ استفاده می کنند.

این نقشه و حربه از سوی آمریکا بویژه بعد از انتخاب سال ۱۳۸۸ با مطرح کردن موضوعات در سطح رسانه و بین المللی جنبه ی عملی به خود گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:

۱) القای غیر صلح آمیز بودن فناوری هسته ای ایران

۲) سرمایه گذاری و ایجاد رسانه های دیداری ، شنیداری و شبکه های تبلیغاتی جهت ارائه تصویری سیاه و خطرناک از جمهوری اسلامی ایران برای افکار عمومی جهان.

۳) ایجاد فضای رسانه ای درباره دخالت ایران در عراق، لبنان و ... به عنوان کشورهای

تروریسم.

- ۴) سازماندهی نارضایتی در مورد موضوعات حقوق بشر، حقوق زنان و دامن زدن به مطالبات صنفی و اجتماعی توسط برخی مطبوعات و احزاب داخلی ایران.
- ۵) راه اندازی سایت های اینترنتی جهت اجرای جنگ رسانه ای.
- ۶) تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی ایران و ایجاد فضای وحشت زاء، وجود بحران اقتصادی و مشکلات ناشی از آن.
- ۷) بد جلوه دادن یا سوء استفاده از اجرای برخی طرح ها مانند طرح امنیت اجتماعی به عنوان طرح محدود کننده آزادی و حقوق زنان.
- ۸) ایجاد تقابل بین سران ارشد نظام اسلامی و القای اینکه جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چندطیف در جریان است و اینکه در نهایت کدام گروه پیروز یا شکست می خورد (رجاء نیوز، ۱۳۸۸/۶/۵).

قدرت نرم ایران: گزینه ای بدیل

انقلاب اسلامی ایران را می توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت خواهانه خود در صدد برآمد باروش های غیرمستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد: تأیید ارزش های انقلاب توسط جنبش های آزادی بخش، اشاعه ی الگوی مردم سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین الملل، توان متقاعد سازی دیگر ملل از زاویه رهبری، فرهنگ، ارزش ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطی رسانه های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می توان در زمره مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار بنیان های انقلاب اسلامی ایران آشکار می سازد.

استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاست‌های انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که در برگیرنده مولفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی، سیاسی و فکری بوده است. ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشر دوستانه به نهضت‌های رهایی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد. قدرت نرم از آنجا که به صورت آرام و تدریجی حرکت می‌کند از اثرگذاری بیشتر و مداوم‌تری برخوردار است چرا که می‌تواند با تغییر سیاست‌های فکری و فرهنگی به ایجاد تغییرات بنیادین و راهبردی یاری رساند. قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی تهیج ملت‌ها بوده است چرا که علاوه بر آن در بردارنده مفهوم توانایی جذب افراد نیز می‌باشد که عموماً به موافقت و رضایت منجر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش یا به عبارت دیگر استکبار جهانی و صیہونیسیم از ایران و روابط با ایران قلع و قمع شدند. اما استکبار جهانی و به خصوص ایالات متحده آمریکا از آن سال تاکنون همواره بصورت کاملاً خصمانه با ایران برخورد کرده‌اند که به دنبال یک هدف مشترک، که همان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است، بودند. در این راستا در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی ایران تلاش کردند تا از طریق دامن زدن به مسائل قومی و اختلافات مذهبی ایران راتجزیه و به یک کشور کوچک و فاقد نفوذ منطقه‌ای تبدیل کنند. اگر چه تلاش آنها از طریق دامن زدن به بحث‌های قومیتی، زبانی و مذهبی تا هم‌اکنون ادامه دارد اما آنها از اوایل دهه ۶۰ به گونه‌ای استراتژی خود را در قبال جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند. در این استراتژی آنها با سازماندهی تهاجم فرهنگی، سیاسی، روانی و تبلیغاتی و تطهیر خود در افکار عمومی ملت ایران بویژه در نسل جوان، حمله به مبانی اعتقادی و ارزش‌های اسلامی رادر دستور

کار خود دارند و با القای ناکارآمدی نظام، کلیه دستاوردهای مثبت گذشته را به صورت اغراق آمیزی نفی می کنند. در این دوران غرب و ایالات متحده آمریکا از حملات نظامی و ادوات جنگی تنها به عنوان تهدید استفاده می کنند چرا که ابزار آنها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران همان جنگ نرم است. جنگی که حتی قدرت تخریش شاید بیش از جنگ نظامی (سخت) باشد. جنگی که به هر حال دنبال راهی برای نفوذ است، ایالات متحده با استفاده از هزینه های سرسام آوری می خواهد به همه مقاصد و آرزوهای خود در جمهوری اسلامی ایران دست یابد. اما با توجه به اتخاذ استراتژی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر استفاده از قدرت نرم این استراتژی می تواند به نوعی آنتی تزی باشد در مقابل جنگ نرم ایالات متحده آمریکا. بنابراین، وظیفه ما در مواجهه با جنگ نرم استفاده از قدرت نرم برای دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی کشور، ضرورت است و مراقبت از کشور در استفاده از قدرت نرم علیه تمامیت ارضی، استقلال و هویت ملی کشور تنها در شرایط ضعف نظام اتفاق نمی افتد بلکه در «پیروزی های خیره کننده» دیده می شود.

منابع

- ۱) اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۹۰). **انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۲) اسلامی، روح الله (۱۳۹۱). «روایت ملی‌گرایی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علوم خبری**، شماره ۲، تابستان.
- ۳) العوینی، محمد علی (۱۳۶۹). **امپریالیسم تبلیغی با تبلیغات بین‌المللی**، ترجمه محمد سپهری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۴) انصاری، محمد مهدی (۱۳۸۶). «جنگ نرم امریکا علیه ایران: چستی و چرایی»، <https://basirat.ir/fa/news/98474>
- ۵) خاشعی، وحیده (۱۳۸۸). «جنگ نرم در آمدی بر سیاست رسانه‌ای»، **فصلنامه رسانه**، سال بیستم، شماره ۲.
- ۶) خبرگزاری رجا نیوز، ۱۳۸۸/۶/۵.
- ۷) سراج، رضا (۱۳۹۰). **جنگ درپناه صلح بررسی برایندهای نوین براندازی در ایران**، چاپ ششم، تهران: تسنیم اندیشه.
- ۸) صفوی، سید رحیم (۱۳۸۹). **اصول و روش‌های مقابله با جنگ نرم**، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۹) **راهبرد مهار و جنگ سرد** (۱۳۸۷). ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۱۲، تهران: ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تیر ماه.
- ۱۰) رفیع، حسین و قریبی، سید محمد جواد (۱۳۸۹). «کالبد شکافی قدرت نرم و ابزارهای آن»، **فصلنامه مطالعات بسیج**، سال سیزدهم، شماره ۴۷.
- ۱۱) رنجبران، داوود (۱۳۸۸). **جنگ نرم**، تهران: انتشارات ساحل اندیشه.
- ۱۲) ذوالقدر، محمد باقر (۱۳۸۱). **اصلاحات آمریکایی**، جلد سوم، قم: انتشارات وثوق.
- ۱۳) عزیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۰). **جنگ نرم علیه اسلام و تشیع در فضای مجازی**، تهران: انتشارات ساقی.

- ۱۴) کاتم، مارتا؛ دیتز-اولر، بٹ و دیگران (۱۳۸۶). **مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی و اجتماعی**، ترجمه کمال خرازی و جواد علاقه بند راد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۵) ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۷). «راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم، با جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علمی تخصصی عملیات روانی**، شماره ۱۸، زمستان.
- ۱۶) مشیر زاده، حمیرا و ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). **تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل**، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- ۱۷) مرادی، علی (۱۳۹۱). **فضای مجازی در خدمت جنگ و براندازی نرم**، تهران: نشر ساقی.
- ۱۸) نای، جوزف (۱۳۸۷). **قدرت نرم**، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۱۹) واعظی حسن (۱۳۹۱). **ایران و آمریکا، بررسی فرایندهای نوین براندازی در ایران**، چاپ هشتم، تهران: تسنیم اندیشه.
- 20) RabinsonIII, Ernest .J (2008). "Hard Power, Soft Power, Smart Power", Annual, APPSS, 616.
- 21) Nye, Joseph. S (2010). **The Future of Soft Power in US Foreign Policy**, edited by: Parmar, Inderjeet and Michael Cox, New York: Rutledge.